

الله أكبر
الحمد لله
الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا
هدى الله لنا

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	تولد تاریخ
۳	حسین بن علی (ع)
۴	تداوم عاشورا
۶	عاشورا: حال و آینده
۹	نتیجه گیری
۱۱	منابع و مآخذ

روزها همچنان از پی هم می‌گذرند و دوباره محرم با آن حال و هوای سحرانگیزش از راه می‌رسد. دوباره عطر خوش حسینی به مشام می‌رسد و نوای «یا حسین» گوش جان را نوازش می‌دهد. زمزمه‌ای که همواره ورد زبان ملت ایران بوده و با نشأت گرفتن از زمزمه‌ها و نام حسین(ع) بود که توانستند چنان حوادثی را بیافرینند به طوری که با گذشت زمان هنوز فعل حسینی‌شان در اذهان حك شده باقی مانده است.

امام حسین (ع) به همراه ۷۲ تن از یاران صدیقش حماسه‌ای خلق کرد که حتی با یادآوری آن می‌توان به عظمت این نهضت حسینی پی برد و برای حرکتهای و مبارزات ظلم‌ستیزانه بعدی، در طول تاریخ پس از امام(ع) و یارانش الگویی گشت. در باره رویداد عاشورا بسیار گفته و نوشته‌اند. باز هم جای گفتن و نوشتن باقی است، چرا که این رویداد از چنان ابعاد بزرگ و گسترده‌ای برخوردار است که هر چه بیش‌تر به تحلیل و بررسی آن پرداخته شود زوایای نوتر و تازه‌تری از آن آشکار خواهد شد. عاشورا نه یک حادثه که یک فرهنگ است، فرهنگی برخاسته از متن اسلام ناب که نقش حیاتی را در استحکام ریشه‌ها، رویش شاخه‌ها و رشد بار و بره‌های آن ایفا کرده است. عاشورا هیچ گاه در محدوده زمان و جغرافیای خاصی محصور نمانده است، بلکه همواره الهام بخش تشیع در راستای حرکت‌ها، جنبش‌ها و قیام‌های راستین شیعه - پل بسیاری از نهضت‌های دیگر - در برابر کانون‌های ظلم و کفر و نفاق بوده است. قیام عاشورا از سال ۶۱ هجری تا امروز همچون چشمه‌ای جوشان و خروشان از آب زلال و گوارای خود تشنگان معرفت و حقیقت را سیراب کرده، و الهام‌بخش بسیاری از نهضت‌های حقّ علیه باطل بوده است. انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی(ره) از عاشورا حسینی الهام گرفت. وصیت نامه سیاسی - الهی امام خمینی(ره) نیز این مفاهیم را بیان می‌دارد که هر کس خود را بیشتر برای ظلم محیا کنید، ظالم بیشتر می‌شود و اگر در برابر ظالم ایستادگی کنید ظلم از بین می‌رود. روحانیت شیعه همواره برای حراست از کیان فرهنگ عاشورا، نه فقط آن را در طول اعصار متمدنی بازگو کرده است، بلکه حتی به بازسازی آن و پاسداری از ارزش‌های ناشی از آن پرداخته است. بازسازی مضامین و مفاهیم بلند فرهنگ عاشورا در هر عصر و زمانی به فراخور حال آن زمان، تأثیر بسیار شگرف و سازنده‌ای در راه پیشبرد اهداف مقدسی همچون نشر معارف و فرهنگ اسلام ناب، بر جای نهاده است. تاریخ شیعه گواه صادق

و روشنی از این بازسازی‌ها است. این بار نیز آذرخشی دیگر از آسمان کربلا درخشید که نور آن مشعل فروزان راه حق طلبان و حقیقت جویان، و ابهت و صلابت آن، در هم کوبنده الحاد و نفاق است. عاشورا رسالت بزرگی را بر دوش همه دینداران به ویژه آگاهان جامعه نهاده است. همگان پس از شناخت ابعاد آن موظفانند خود و جامعه خود را با آن مقایسه و از آن درس و عبرت بیاموزند، چرا که زنده بودن تاریخ به ترسیم و تصویب آن و سنجش خودمان با آن است. از این روی، سخنی هر چند کوتاه پیرامون اساسی‌ترین بعد این حادثه بزرگ است که در بخشی از آن تحت عنوان «عاشورا در محرم» که بر گرفته از موضوعات مختلف پیرامون این حادثه تاریخی خواهد بود بیان می‌گردد.

تولد تاریخ

پنجاه سال از غروب آفتاب آسمانی وحی می‌گذشت و بیش از بیست سال بود که زمین و زمان از تابش خورشید قسط و عدالت محروم شده بود، پنجاه سال پیش از این، پیامبر اسلام(ص) رحلت فرموده بود و در طول این نیم قرن تنها چهار سال و نه ماه آفتاب عدالت درخشیده بود، دیگر هرچه بود سیاهی بود و ستم، ظلم بود و ظلمت، و هرچه عقبه تاریخ پیشتر می‌رفت سیطره سیاهی و ستم بیشتر می‌شد و این سیطره چنان با سرعت پیش می‌رفت که دیگر امید به نور نجاتی نبود، می‌رفت که نام قرآن و اسم اسلام نیز به فراموشی سپرده شود و این، یعنی محو حقایق و نابودی انسانیت و به باد دادن تمام زحمات و خدمات پیامبران و اصلاحگران تاریخ؛ به عبارت دیگر تحریف و تدفین تاریخ، تاریخی که رسولان حق، از آدم تا خاتم به آفرینش آن کمر همت بسته بودند و با تحمل سختیهای طاقت‌فرسا و با صداقت و صمیمیت فوق العاده خویش آن را ساخته بودند و چه می‌ثمها که در حراست از آن به سر دار نرفته و چه ابوذرها که به خاطر آن، شکنجه و تبعید نشده بودند و از همه مهمتر حضرت علی(ع) آن عین عدل و عرفان و انسان کامل در این راه مقدس شهید شده و با خون خویش و این ابرمرد، کسی جز امام حسین(ع) و این کار سترگ، جز با حماسه بی‌نظیر کربلا، نمی‌توانست باشد این کار با منبر و خطابه یا با نوشتن نامه و رساله تحقق نمی‌یافت، خون خدا می‌بایست دین خدا را از نو زنده کند و با شهادت خویش حجاب از چهره اهل تزویر بردارد. حضرت با آگاهی تمام به آخر کار و با شوق واشتیاقی وصف ناپذیر به دیدار دوست به راه افتاد و رفت که کربلا راعرش عشق

وعاشورا را قیامت قرآن و تولد تاریخ کند که کرد و حیرت آبادی را بنام کربلا تا ابد زنده و بالنده در بلندای ابدیت پدید آورد که هنوز هم که هنوز است جهانخواران و زورمداران و ریا کاران تا نام کربلا و عنوان عاشورا را می شنوند خوابشان آشفته می شود و کربلا بزرگترین و مهیبترین کابوسی است که خواب را بر چشم همه یزیدیان حرام کرده است .

حسین بن علی (ع)

امام سوم شیعیان، شهید کربلا و خون خدا، که نهضت عاشورا بر محور فداکاری و جان فشانی آن حضرت شکل گرفت و تاریخ بشری را سرشار از حماسه و ایثار کرد و درس آزادگی و عزت به انسان داد و با خون خویش که در کربلا ریخت، درخت اسلام آبیاری شد و امت مسلمان بیدار گشت. سومین امام معصوم، در سوم (یا چهارم) شعبان سال چهارم هجری در شهر مدینه دیده به جهان گشود. او دومین ثمره پیوند فرخنده حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) دختر پیامبر اسلام (ص) بود. رسول خدا «ص» نام فرزند حضرت زهرا «ع» را «حسین» نهاد. وی مورد علاقه شدید پیامبر خدا «ص» بود و آن حضرت در باره او فرمود: «حسین منی و انا من حسین...»

حسین بن علی (ع) مدت شش سال از دوران کودکی خود را در زمان جد بزرگوار خود سپری کرد و پس از آن حضرت، مدت سی سال در کنار پدرش امیرمومنان حضرت علی (ع) زندگی کرد و در حوادث مهم دوران خلافت ایشان به صورت فعال شرکت داشت . پس از شهادت امیر مومنان حضرت علی (ع) (در سال ۴۰ هجری) امامت به حسن بن علی «ع» رسید ، همچون سربازی مطیع رهبر و مولای خویش و همراه برادر بود . پس از انعقاد پیمان صلح، با برادرش و بقیه اهل بیت «ع» به مدینه آمدند . مدت ده سال در صحنه سیاسی و اجتماعی در کنار برادر بزرگ خود حسن بن علی (ع) قرار داشت و پس از شهادت امام حسن (ع) (در سال ۵۰ هجری) بار امامت به دوش سید الشهدا قرار گرفت در آن دوران ده ساله که معاویه بر حکومت مسلط بود، امام حسین «ع» همواره یکی از معترضین سرسخت نسبت به سیاستهای معاویه و دستگیریها و قتلهای او بود و نامه های متعددی در انتقاد از رویه معاویه در کشتن یاران وفادار به حضرت علی «ع» بودند و پیرامون اعمال ناپسند دیگر او نوشت.

در عین حال، حسین بن علی «ع» یکی از محورهای وحدت شیعه و از چهره‌های برجسته و شاخصی بود که مورد توجه قرار داشت و همواره سلطه اموی از نفوذ شخصیت او بیم داشت. با مرگ معاویه در سال ۶۰ هجری، یزید به والی مدینه نوشت که از امام حسین «ع» به نفع او بیعت بگیرد. اما سیدالشهدا که فساد یزید و بی‌لیاقتی او را می‌دانست، از بیعت امتناع کرد و برای نجات اسلام از بلیه سلطه یزید که به زوال و محو دین می‌انجامید، راه مبارزه را پیش گرفت. از مدینه به مکه هجرت کرد و در پی نامه نگاریهای کوفیان و شیعیان عراق با آن حضرت و دعوت برای آمدن به کوفه، آن امام ابتدا مسلم بن عقیل را فرستاد و نامه‌هایی برای شیعیان کوفه و بصره نوشت و با دریافت پاسخ کوفیان در بیعتشان با مسلم بن عقیل، در روز هشتم ذیحجه سال ۶۰ هجری از مکه به سوی عراق، حرکت کرد. پیمان‌شکنی کوفیان و شهادت مسلم بن عقیل، اوضاع عراق را نامطلوب ساخت و سیدالشهدا که همراه خانواده، فرزندان و یاران به سوی کوفه می‌رفت، پیش از رسیدن به کوفه در سرزمین «کربلا» در محاصره سپاه کوفه قرار گرفت. تسلیم نیروهای یزیدی نشد و سرانجام در روز عاشورا در آن سرزمین، مظلومانه و تشنه کام، همراه اصحابش به شهادت رسید، از آن پس، کربلا کانون الهام و عاشورا سرچشمه قیام و آزادگی شد و کشته شدن وی، سبب زنده شدن اسلام و بیدار شدن وجدان‌های خفته گردید.

تداوم عاشورا

دیگر بار، محرم فرا رسید و دل‌های احرار و آزادگان جهان به سوی حسین بن علی (ع) متمایل گشت و چشمانشان به واقعه عاشورا دوخته شد؛ واقعه‌ای که ۱۴۲۱ سال از وقوع آن می‌گذرد؛ اما هنوز، هر سال در سالگشت وقوع آن، نه تنها مسلمانان و شیعیان، بلکه تمامی آزادگان را به سوی خویش جلب می‌کند. آنچه در اولین نظر و مطالعه در واقعه عاشورا به چشم می‌خورد و جلب توجه می‌نماید، انگیزه ماورای مادی این جنبش عظیم است. حسین بن علی (ع) از سر آغاز قیام خویش و حرکت از مدینه، و حتی قبل از آن، نه تنها به عدم پیروزی مادی خویش آگاه بود؛ بلکه از شهادت خود و اسارت خاندانش اطلاع و بارها، از طریق اخبار غیبی توسط پیامبر اکرم (ص) و علی (ع) از شهادت خویش با خبر گشته بود و این نکته‌ای بود که افراد مختلف نیز در مواقف متعدد، با او در میان می‌گذاشتند؛ اما او همچنان بر هدف خویش که انجام وظیفه خطیر الهی و احیای دین و سنت نبوی بود، اصرار می‌نمود.

ورزید . از سوی دیگر این انگیزه و نیت خدایی قیام حسین (ع) و اصحابش در لحظه به لحظه این واقعه به چشم می‌خورد؛ از سبقت گرفتن اصحابش برای شهادت از یکدیگر گرفته تا جان باختن طفل ۶ ماهه امام حسین (ع) در راه حق و تا آخرین لحظات حیات امام حسین (ع) که نه تنها تمام هستی خود را در راه حق ، جانانه واگذار نموده است، بلکه هنوز هم خویشتن را تسلیم حق می‌داند و زیر لب زمزمه می‌کند: الهی رضا بقضائک، تسلیم لا مرک، لا معبود سواک.

انگیزه الهی عاشورا که در آن ذره ای غیر خدا راه ندارد، سبب شده است که اهداف عاشورا و قیام اباعبدالله الحسین(ع)، اهدافی مطابق فطرت و سرشت تغییر ناپذیر انسانی گردد. و مگر ممکن است که روزگاری از ایام زندگی بشر، انگیزه ظلم ستیزی و آزادی از قید و بند ظلم از صفحه جان آدمی خارج شود و یا عشق به مبدأ خلقت در میان آدمیان فراموش گردد. پس همین پیوستگی عاشورا و فطرت انسانی، خود سبب تضمین عاشورا، نه تنها پس از ۱۴ قرن، بلکه تا آخر زندگی بشر است. دامنه وسیع اثرات اجتماعی و فردی این قیام الهی که نه تنها پیروان سید الشهدا (ع) را تحت تاثیر قرار داده، بلکه سبب بیداری و تاثیر پذیری احرار و آزادگان جهان نیز گردیده است. ریشه های این فرهنگ و پیام جاودانه را در دل تاریخ مستحکم نموده است و تا زمانی که این اثرات عمیق و وسیع، در گستره تاریخ باقی و پا بر جاست، نام و یاد حماسه سازان کربلا نیز پایدار خواهد بود. از آنچه تاکنون مورد بررسی اجمالی قرار گرفت ، به وضوح مشخص می شود که فراموشی این واقعه عظیم، هرگز متصور نیست. اسلام از همان آغاز تبلیغ، اصلی ترین برنامه خویش را رهایی آدمی از قید طاغوت و بندگی و اطاعت غیر خدا، معرفی نمود و بر آن پافشاری نمود. به همین خاطر مستکبران و مشرکان که منافع خویش را در خطر می دیدند، و تعارض آشکار اسلام با اهداف و مطامع خویش را در یافته بودند، همواره بر آن تاختند. اما رهبری الهی پیامبر اکرم(ص) و امدادهای الهی مانع به ثمر نشستن کوششهای آنان می شد. از طرف دیگر، مسلمین نیز آنان را دشمن آشکار دین خویش می دانستند و در راه مبارزه با آنان، هرگز کوتاه نمی آمدند. اما پس از رحلت رسول خدا(ص)، روش خویش را تغییر دادند و شروع به استحاله و تغییر تدریجی این دین الهی از درون و وارونه جلوه دادن تعالیم آن و افزودن خرافه به آن نمودند ؛ تا جایی که پس از رسول اکرم (ص)، رفته رفته تمام ارکان قدرت را به دست گرفتند و آنچه در عصر نبی گرامی

اسلام (ص)، از انجام آن عاجز بودند ،امروز در زیر پوشش ظاهری اسلام و به نام دین، انجام می‌دادند و هرچه زمان گذشت، بخشهای بیشتری از دین خدا را زیر و رو کردند. با ذکر این مطلب، این نکته واضح و آشکار می‌گردد که قیام حسینی تنها در یک پیکار و ستیز میان اقلیت حق و اکثریت باطل ، خلاصه نمی‌شود ؛ بلکه خود چشمه جوشان معرفتی و شناختی است و دارای یک پیام جاودانه الهی و انسانی و به وجود آورنده یک معیار ابدی است که در تمامی اعصار عمل نمودن به آن سبب کوتاه شدن دست مستکبران و ظالمان از دامان اسلام و انسانیت انسان می‌گردد . بر این اساس ، اسلام بقای خویش را مرهون مجاهدتهای سیدالشهداست و این همان مفهوم حدیث نبوی است که « حسین منی و انا من حسین » امروز دشمنان هجوم همه جانبه خویش را به اسلام ادامه می‌دهند و تنها راه مبارزه با اسلام را تغییر اصول و مبانی اسلامی می‌دانند و از سوی دیگر هوا و هوس آدمی، همواره انسان را در بند خود اسیر می‌نماید .

پس امروز نیز ما به ماهیت پیام و قیام سیدالشهدا نیازمندیم تا اسلام اصیل و به دور از پیرایه را که پیامبر اسلام (ص) به عالمیان عرضه نمود را درک نماییم و آنرا حفظ کنیم و باورهای خویش را از هرگونه جهالت و ضلالت به دور نگه داریم و درون انسانی خویش را از بند برهیم تا بدین وسیله مقدمات برپایی نظام جهانی مبتنی بر عدالت و بر پایه تعالیم جهان شمول اسلام را فراهم آوریم و راه را برای حکومت جهانی مهدی موعود (عج) هموار کنیم. در حقیقت، قیام حسینی در عصر حاضر و در فضای غبار آلود تبلیغاتی موجود، هر چه بیشتر مرز حق و باطل را تبیین می‌نماید و دوباره فطرت مدفون شده بشر را که در زندگی مادی غوطه ور است بیدار می‌کند. پس نه تنها نیاز بشر در عصر حاضر به قیام عاشورا از بین نرفته است، بلکه فزونی یافته است .

عاشورا: حال و آینده

نسل امروز و آینده هنوز تشنه فضیلت و عدالت است و به دلیل سرخوردگی از تباهی‌ها به دنبال آرمان شهر اسلامی می‌گردد. اینان به نیرومندی و توانایی خویش برای به دست آوردن دنیایی بهتر و در نتیجه رستاخیزی مطلوب می‌اندیشد. جوان امروز در تلاش است تا از فرهنگ و ارزش‌های اسلامی انسانی به صورت بهینه بهره

گیرد. این تفکر حیاتی‌ترین، اندیشه‌ای است که می‌تواند به‌بالندگی جامعه جوان امروز و آینده مدد رساند. همانگونه که می‌دانید صحنه عاشورا چنان آگاهانه در راه معشوق جان‌سپاری کردند که به قول امام خمینی(ره): «هر چه روز عاشورا سیدالشهدا سلام‌الله‌علیه به شهادت نزدیک‌تر می‌شد، فروخته‌تر می‌شد و جوانان او مسابقه می‌کردند برای این که شهید بشوند، همه هم می‌دانستند که بعد از چند ساعت دیگر شهیدند. برای این که آنها می‌فهمیدند کجا می‌روند؛ آنها می‌فهمیدند برای چه آمدند؛ آگاه بودند که «ما آمدم اداى وظیفه‌ى خدایى را بکنیم؛ آمدم اسلام را حفظ بکنیم». امام خمینی(ره) رمز عزت مردم ایران، از ذلت و زبونی را، احیای حماسه‌های عاشورایی می‌دانند و می‌فرمایند: «عاشورا را زنده نگهدارید که با نگهداشتن عاشورا کشور شما آسیب نخواهد دید.»

شجاعت سیدالشهداء علیه السلام نه تنها همان زور بازو و قدرت و قوت بدنی و علم و آگاهی آن حضرت به آئین جنگ و نبرد و مدیریت و فرماندهی و به خاک انداختن دلیران ودلاوران صحنه کارزار بود، بلکه تمام اینها از روح قوی و خصیت‌بلند و حیات اعتقادی و اسلامی او نشأت می‌گرفت. وقتی از او می‌پرسند از پیامبر حدیثی که خودت شنیده باشی نقل کن می‌فرماید: «ان الله يحب معالى الامور و يبغض سفافها» خداوند کارهای بلند و گرامی را دوست می‌دارد و کارهای پست و زبون را دشمن می‌دارد.»

در این روایت امام حسین(ع) که از جد بزرگوارش نقل می‌کند، معلوم می‌شود روح بلند امام با امور پست جسمی سر و کار ندارد، سر و کارش با معانی عالی و بلند و با عظمت است. از دیدگاه اسلام همه حماسه‌های نژادی و قومی مذموم است و آن حماسه‌ای در اسلام مذموم و پسندیده است که بر اساس عزت نفس، کرامت نفس، آزاد منشی و استقلال فرهنگی و اعتقاد دینی باشد و ننگ و ذلت و انحطاط و پستی را تحمل ننماید.

سیدالشهدا با الهام از آیات حماسی قرآن هم چون آیه شریفه «لله العزه ولرسوله و للمومنین» و آیه «لن يجعل الله للكافرين على المومنين سبيلا» و با استفاده از زندگی حماسی و سیره عملی رسول خدا(ص) و امیرالمومنین علیه السلام و حماسه‌های زهرای اطهر و امام حسن مجتبی(ع) به احیای انسان‌های مرده زمان پرداخت و

شخصیت معنوی مسلمانان را بیدار کرد و اسلام را تجدید حیات بخشید و در ملت اسلام در تمامی قرون و اعصار حماسه و غیرت ایجاد کرد، حمیت و شجاعت و سلحشوری به وجود آورد و برای تمام نهضت‌ها و انقلاب‌های دنیا سوژه و سرمایه بی‌نظیری شد و به آنها آموخت که ترس‌ها، زبونی‌ها، بردگی‌ها، چاپلوسی‌ها، بیگانه‌پرستی‌ها، همه و همه مولود از دست دادن خوی فطری و شخصیت انسانی است. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای پیرامون روحیه حماسی و رفتار شجاعانه مردم شریف ایران و برکات آن می‌فرمایند: «رفتار شجاعانه همه مردم و مسئولان ایران، علت‌های دیگر را برای مقاومت در برابر آمریکا تشجیع کرده است. اکنون دورانی که امریکایی‌ها خیال می‌کردند صاحب‌اختیار دنیا هستند و برای کشورهای گوناگون خط و نشان می‌کشیدند، سپری شده است و این همه به برکت شجاعت و نترسیدن ملت ایران از ابرقدرت‌ها حاصل شده است.» امروزه ملت‌های مسلمان سراسر دنیا در پرتو تعالیم حماسی حضرت اباعبدالله الحسین (ع) می‌روند تا در تاریخ معاصر تحولی ایجاد کنند. امروزه بیداری و آگاهی سیاه‌پوستان امریکا آن هم در پرتو تعالیم انسان ساز عاشورایی و رهنمودهای امام خمینی (ره) مایه بسی امید و بشارت است.

رهبر معظم انقلاب در این باره فرمودند: «سیاهپوستان آمریکا اعم از مسلمان و مسیحی در این تظاهرات مشت‌هایشان را گره کردند و فریاد «الله اکبر» سر دادند و به ترجمه سوره مبارکه حمد گوش فرا دادند این پیام قرآن بود که زیر چشم رژیم‌استکبار امریکا در دنیا پخش شد و این واقعیت نشان داد که با وجود مخالفت های امریکا پیام انقلاب اسلامی به مخاطبین آن در دورترین نقطه جهان رسیده است.»

رهبر معظم انقلاب با اشاره به حماسه‌های مردم شریف ایران و با قاطعیت تمام می‌فرمایند: «همه دولت‌ها اعتراف دارند که تنها ایران اسلامی است که با شجاعت در مقابل امریکا و اسرائیل ایستاده‌اند.»

به خاطر همان تعالیم عاشورایی است که هنوز شعارهای حماسی و پیام‌های بلند آن به گوش اهل دل می‌رسد که می‌فرمود: الموت اولی من رکوب العار والعار اولی من دخول النار انا الحسین بن علی آلیت ان لا انثنی حتی عیالات ابی امضی علی دین

النبي ، «مرگ بهتر از پذیرفتن ننگ است و پذیرفتن ننگ بهتر از قبول آتش سوزان جهنم است من حسین فرزند علی هستم، سوگند یاد کرده‌ام که در مقابل دشمن سرفروود نیاورم. من از اهل و عیال پدرم حمایت می‌کنم و در راه آئین پیامبر کشته می‌شوم.»

روحیه حماسی است که باعث می‌شود انبیاء الهی برای اجرای عدالت اجتماعی کوچکترین سازشی با مترفین و کفار نداشته باشند.

همین حماسه‌های صادقانه و مخلصانه بود که يك جاذبه واقعی و حقیقی در قلوب مردم مومن جهان ایجاد کرد که حرارت و سوزش آن هرگز به سردی نمی‌گراید و در زیر این آسمان کبود نمی‌توان نهضت و انقلاب اصلاحی را پیدا کرد که با حماسه‌های جاوید عاشورا آشنا نباشد.

آری «ان لقتل الحسين حراره فی قلوب المومنین لن تبرد ابدا» امام خمینی (ره) «بزرگداشت شعائر عاشورایی» را مهم‌ترین رمز وحدت ملل مسلمان جهان می‌داند و تعالیم عاشورایی را ثمربخش‌ترین حماسه برای عزت مسلمین و ذلت و خواری کفار و مشرکین و نابودی استکبار جهانی به حساب آورده و می‌فرماید: «همه باید بدانیم که آن چه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی، مراسم عزاداری ائمه اطهار و به ویژه سید مظلومان و سرور شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام است که حافظ ملیت مسلمین به ویژه شیعیان اثنی عشر علیهم صلوات الله و سلم می‌باشد.»

نتیجه گیری

تاریخ اسلام و شخصیت‌های برجسته اسلامی نیز برای مسلمانان در همه دوره‌ها الگو بوده است و تعالیم دین ما و اولیاء مکتب نیز توصیه کرده‌اند که از نمونه‌های متعالی و برجسته در زمینه‌های اخلاق و کمال، سرمشق بگیریم. در میان حوادث تاریخ، «عاشورا» و «شهدای کربلا» از ویژگی خاصی برخوردارند و صحنه صحنه این حماسه ماندگار و تکتك حماسه آفرینان عاشورا، الگوی انسان‌های حق طلب و ظلم ستیز بوده و خواهد بود، همچنان که «اهل بیت (ع)» بصورت عام‌تر، در زندگی و مرگ، در اخلاق و جهاد، در کمالات انسانی و چگونه زیستن و چگونه مردن، برای ما سرمشق‌اند. از

خواسته‌های ماست که حیات و ممات ما چون زندگی و مرگ محمد و آل محمد باشد: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»

امام حسین - علیه السلام - حرکت خویش را در مبارزه با طاغوت عصر خودش، برای مردم دیگر سرمشق می‌داند و می‌فرماید: «فَلَكُمْ فِي أُسْوَةٍ» نهضت عاشورا، الهام گرفته از راه انبیا، و مبارزات حقجویان تاریخ و در همان راستاست. استشهادی که امام حسین (ع) به کار پیشینیان می‌کند، نشان‌دهنده این الگوگیری است. هنگامی که حضرت می‌خواست از مدینه خارج شود، این آیه را می‌خواند: «فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»، قبل از حرکت نیز در وصیتنامه‌ای که به برادرش محمد حنفیه نوشت و مبنا و هدف و انگیزه خروج را بیان کرد، از جمله تکیه آن حضرت بر عمل به سیره جدّ و پدرش و پیمودن همان راه بود و نهضت خود را در همان خطّ سیر معرفی کرد: «وَ أَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي عَلِيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ» و سیره پیامبر و علی (ع) را الگوی خویش در این مبارزه با ظلم و منکر دانست. این شیوه، تضمینی بر درستی راه و انتخاب است که انسان مبارز، از اولیای دین و معصومین الگو بگیرد و برای کار خود حجت شرعی داشته باشد. در سخنی دیگر، آن حضرت فرموده است: «وَلِيَّ وَ لَهُمْ وَ لِكُلِّ مُسْلِمٍ بِرَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ وَ پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله»

را اسوة خود و هر مسلمان دیگر قلمداد کرده است. پیامبر اکرم (ص)، دو فرزندش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را «امام» معرفی کرده است، چه قیام کنند، چه بنشینند: «إِبْنَايَ هَذَا إِمَامَانِ، قَامَا أَوْ قَعَدَا» پس از قیام عاشورا نیز در همان خطّ امام و اسوه و الگو بودن امام حسین (ع) بود و عمل آن حضرت برای امت می‌توانست سرمشق و سرخط باشد و مبنای مشارکت پیروان امامت در مبارزه با حکومت یزیدی باشد، مبارزه‌ای که ریشه در جهاد همه پیامبران ربّانی و همه جهادهای مقدّس مسلمانان صدر اسلام در رکاب حضرت رسالت داشت.

در تاریخ اسلام نیز، بسیاری از قیام‌های ضد ستم و نهضت‌های آزادی‌بخش، با الهام از حرکت عزّت‌آفرین عاشورا شکل گرفت و به ثمر رسید. حتی مبارزات استقلال طلبانه هند به رهبری مهاتما گاندی، ثمره این الگوگیری بود؛ همچنانکه خود گاندی گفته

است: « من زندگی امام حسین (ع)، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد يك کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین (ع) پیروی کند »

قائد اعظم پاکستان، محمدعلی جناح نیز گفته است: « هیچ نمونه‌ای از شجاعت، بهتر از آن که امام حسین (ع) از لحاظ فداکاری و تهورّ نشان داد، در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی نمایند »

بارزترین نمونه آن، انقلاب اسلامی ایران بود که درس‌ها و الگوهای عاشورا، قوی‌ترین دستمایه جهاد مردم بر ضدّ طاغوت و دفاع رزمندگان در جبهه نبرد هشت ساله به شمار می‌رفت. نبرد و شهادت مظلومانه برای رسوا ساختن ظالم، عمل به تکلیف در شدیدترین حالات تنهایی و بی‌یاری، رها نکردن هدف حتّی با کمبود نفرات و شهادت یاران، همه و همه از ثمرات الگوگیری از عاشورا بود.

امام امّت، در اسوه بودن عاشورا برای نهضت پانزده خرداد می‌فرماید: « ملّت عظیم‌الشأن، در سالروز شوم این فاجعه انفجارآمیزی که مصادف با پانزده خرداد ۴۲ بود، با الهام از عاشورا آن قیام کوبنده را به بار آورد. اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می‌شد.

منابع و مأخذ

۱- بنگرید: ادب الحسین و حماسه، ص ۱۲۲-۱۲۱، به نقل از لهوف سید ابن طاووس و مقتل خوارزمی و نیز همان کتاب ادب الحسین ... ص ۲۸، ۱۰۵-۱۰۴ و نیز بلاغه الحسین، ص ۱۴۴ و ۱۵۷...

۲- بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۶۰، ح ۴۱؛ زیارت بر اساس دستور امام جعفر صادق (ع) است. ترجمه جمله فوق چنین است: سلام و درود بر تو ای خون خدا و ای پسر خون خدا و ای کشته تنهایی که انتقام خونت گرفته نشده است.

۳- بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۷؛ در کتبی چون مناقب ابن شهر آشوب جمله آخر را چنین نقل کرده‌اند... و لا افر فرار العبید. همانند بردگان از پیش شما فرار نخواهم کرد. (مناقب آل ابی‌طالب، ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۴، ص ۷۵؛ الکامل فی التاریخ، ابن‌اثیر، ج ۴، ص ۶۳؛ اعلام الوری؛ اعلام الهدی، الطبرسی، ص ۲۳۸)، ص ۵۱

۴- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۵۵، ص ۲۰۵

- ۵ - کامل ابن اثیر، ج ۴، ص ۶۰ - ۶۱؛ ارشاد مفید، ص ۲۱۷؛ بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۴.
- ۶ - بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۱؛ املهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، ص ۱۶۵.
- ۷ - بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۲۶۰.
- ۸ - بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۸؛ ص ۸۳، ح ۱۰؛ املهوف علی قتلی الطفوف، سید بن طاووس، ص ۶ - ۱۵۵.
- ۹ - مقتل الحسین(ع)، مقرر، ص ۵، ۳۰۴، ۳۷۵.
- ۱۰ - کتاب پرتوی از عظمت حسین(ع) - تالیف لطف الله صافی، ص ۲۱۷ ۲۰۱.
- ۱۱ - منافقون، آیه ۸.
- ۱۲ - نساء، آیه ۱۴۱.
- ۱۳ - روزنامه رسالت، ۷۴/۷/۲۳.
- ۱۴ - روزنامه جمهوری اسلامی، ۷۴/۷/۲۷، ۷۵/ ۲/۱۳.
- ۱۵ - مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۱۷.
- ۱۶ - صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۳.
- ۱۷ - صحیفه نور. ج ۹. ص ۵۷.
- ۱۸ - همان. ج ۱۴. ص ۲۶۵.
- ۱۹ - عوالم (امام حسین) ص ۳ و ۴.
- ۲۰ - حیاة الامام الحسین، ج ۳، ص ۳۷۸.